

## حاج آقا نورالله و دفاع از میراث فرهنگی

نداشت. و برای اجرای مقاصد خودش متوسل به دو شیوه می‌گردید: یکی آنکه آثار باستانی را به قیمت ارزان به نزدیکان و کسانی که مورد اعتماد بودند، می‌فروخت. و آنها هم دور از چشم مردم آنجا را تخریب می‌کردند. البته شرط تخریب را قبل از فروش حتماً ذکر می‌کرد. دومین شیوه‌ای که در تخریب به کار می‌برد، این بود که بر روی نقش‌های زیبا و طلاکاری‌های نقاشی شده را گچ می‌کشید، تا آنها به مرور زمان از بین برود. در مورد خراب کردن عمارت آئینه‌خانه مرحوم جاوید نقل کرد که او به شیوه اول متوسل شده و این عمارت زیبا و تاریخی را به دایمی خودش حاج علیرضاخان فروخت. البته این شخص با آقایان مسجدشاهی هم اختلافاتی داشت و از طرفی از آنها هم می‌ترسید. مرحوم جاوید نقل می‌کرد در یکی از شبها در سکوت شب ناگهان صدای مهیب و وحشتناکی مانند انفجاری عظیم تمامی شهر اصفهان را لرزاند. و بعداً معلوم شد که این صدا در اثر تخریب عمارت آئینه‌خانه بوده، که دایمی و مأمور اجرای ظل‌السلطان نجارها را برده و آن قسمتهای عمده و جاهای بخصوص از ستونهای اصلی را بریده و فقط از هر ستون مقداری را باقی گذاشته و نهایتاً دفعاتاً تمام ساختمان را خراب و ویران نموده‌اند. البته از دیگر آثاری که ظل‌السلطان در تخریب آن نقش عمده داشت همین چهارباغ فعلی بود که متشکل از چندین باغ بزرگ و عالی بوده است، مثل باغ طاوس خانه، باغ شمس آباد، باغ فتح آباد، باغ بهشت آیین و غیره که اینها هر کدام یک سردرهای عظیم و زیبایی داشته‌اند. در وسط هر کدام از این باغها هم عمارت زیبایی بوده است که شاهزاده قسمتهای عمده این عمارت و سردرهای را خراب و نابود ساخت. و این تخریبها و

هرچند مبارزات سیاسی و اجتماعی حاج آقا نورالله علیه تعدیات ظل‌السلطان خود داستان بلندی دارد: ولی آنچه در این قسمت ذکر می‌کنیم، ماجرای حفظ میراث باستانی است، که حاج آقا نورالله را در مقابل تجاوزات فرهنگی و هنری شاهزاده قرار می‌دهد.

در رابطه با آثار باستانی و بناهای تاریخی شهر اصفهان از جمله مطلعترین محققین و دانشمندان می‌توان از استاد محمد مهربار نام برد که سالیان دراز در این زمینه تحقیق و کاوش انجام داده‌اند. در رابطه با موضوع این قسمت که مربوط به نقش ظل‌السلطان در تخریب بسیاری از ذخایر فرهنگی و هنری و مقاومت و جلوگیری‌هایی که مرحوم حاج آقا نورالله توانست انجام دهد، مطالبی را ذکر نموده‌اند، که به قسمتهایی از آن به طور اجمال اشاره می‌شود:

«من بسیاری از این مطالب را از روی اسناد زنده‌ای که خود توانستم درک کنم، نقل می‌نمایم. کسانی که شاهد و ناظر بسیاری از این خیانت‌هایی که شاهزاده ظل‌السلطان انجام داده، بوده‌اند. در بین این اشخاص که مطلع و خود شاهد وقایع بوده، می‌توانم مرحوم میرزا ابوالقاسم خان جاوید را نام ببرم که نقلها و جریانات زیادی را خدمت دانشمند و محقق بزرگ علامه محمدباقر الفت نقل می‌فرمود و من نیز آنجا حضور داشتم. از جمله از نقلهای ایشان است که از آثاری که ظل‌السلطان در تخریب آن اقدام داشت، تالار و عمارت آئینه‌خانه بود. این اثر زیبا بسیار شبیه به چهل‌ستون بوده است، منتها با این تفاوت که در قسمتهای مهم آن آئینه بکار رفته بود و ظل‌السلطان تصمیم به خرابی این اثر می‌گیرد. به طور کلی ظل‌السلطان از ترس آقایان مسجدشاهی و مردم به طور علنی جرأت تخریب

## روح آزاده

به طور اجمال از نطقها، مکتوبات و اعلامیه‌های حاج آقا نورالله معلوم می‌گردد که از آراء بسیاری از متفکرین و رگه‌های فکری دوران خویش آگاهی داشته است. احتمالاً او از طریق مطبوعات مصر و شام و سایر بلاد عربی و نیز کتب منتشره عربی و فرصتهایی که حوالی سالهای ۱۳۰۰ یا به هنگام هجرت سالهای ۳۲ - ۱۳۲۹ و ۳۶ - ۱۳۳۵ قمری در عتبات برای مطالعات وسیع داشته، از این جریانهای فکری آگاه شده است و یک نوع وسعت نظر پیدا نموده که آن را از اقدامات بعدی او (گسترش شعب شرکت اسلامیة در بلاد اروپایی و عربی و همسایگان ایران و گزارشهای روزنامه‌های آن بلاد از اوضاع ایران و اندیشه‌ی صدور کالا به خارج که نیاز به بررسی جامع فرهنگی - اقتصادی از آن کشورها دارد) می‌توان دریافت.

موریس پرنو، مستشرق فرانسوی، در دیداری که با حاج آقا نورالله داشته، او را چنین توصیف می‌کند.

«او، غرب را می‌شناخت، بی‌آنکه آن را به دیده ستایش بنگرد. مقصود من از ملاقات او این بود که نحوه طرز فکر یک روح آزاده و کنجکاو در قبال عقاید و آداب مذهبی شرق اطلاع یابم. حاج آقا نورالله گفت: ... جوانان امروز ما خیلی مذهبی نیستند و همچنین خیلی روح فلسفی ندارند. از طرف دیگر عقاید و افکار اروپایی هم، چیزی که مناسب حال آنها باشد به آنها یاد نمی‌دهد. نه مذهب استدلالی آگوست کنت و نه ایده‌آلیسم آلمان و نه مکانیسم انگلوساکسنها، تشنگی روح ایرانی را سیراب نمی‌کند.»<sup>۱</sup>

۱. زیر آسمان ایران، موریس پرنو مستشرق فرانسوی.

یکدست بزرگ و زیبایی آن را دیده بودم. در هر حال مجموعه آثاری که ظل السلطان با حيله و نیرنگ و دسیسه توانست ویران کند، متجاوز از صد می باشد. ولی بسیاری از آثار مهم و اصلی را که از درجه اعتبار و قدمت بیشتری برخوردارند در اثر ترس از علما و مقاومت آنان بخصوص از شخص حاج آقا نورالله و نفرت مردم نتوانست ویران سازد. و به طور کلی مرحوم حاج آقا نورالله علاوه بر خدماتی که به تاریخ این ملت نمود در این زمینه هم سهم بزرگ و به یادگار ماندنی و قابل تحسینی دارد».<sup>۲۹۱</sup>

۱. نقل از استاد محمد مهریار.  
۲. به غیر از جنبه های هنری، حاج آقا نورالله در ابعاد اجتماعی، سیاسی و در مورد اجرای عدالت و احقاق حقوق مظلومان با خاندان ظل السلطان درگیر بوده است. و جالب اینجاست که در تاریخ می خوانیم همسر ظل السلطان که مونس السلطنه نام داشته، از ظلم و ستم پسرش صارم الدوله به منزل حاج آقا نورالله رفته و بست نشینی اختیار می کند که این ماجرا با قتل فجیع مونس السلطنه به دست فرزندش به پایان می رسد. مشروح گزارش این جنایت را در کتاب «حکم نافذ آقاجفی» از همین قلم مطالعه نمایید.  
این ماجرا و قتل تاءثر انگیز تا سالیان دراز در اذهان باقی بوده و رسوایی آن تا آخر عمر گریبان شاهزاده مادرکش را گرفته است.

مشغول کندن هستند و شما و سایر طلاب مدارس دیگر از طرف ما بروید و نگذارید این عمل انجام شود. ایشان نقل می کند ما و طلبه های مدرسه عربون، طلبه های مدرسه مرحوم ثقة الاسلام و مدرسه اسماعیلیه راه افتاده موقعی که رسیدیم متوجه شدیم نیمی از درختان را قطع و می خواهند بقیه را قطع و قطع شده ها را هم اره کنند و از چوبش استفاده کنند. ما به محض رسیدن علاوه بر آنکه از اقدام آنها جلوگیری کردیم و یک کتک سیری به آنها زدیم. برای آنکه درس عبرتی به آنها بدهیم، نگذاشتیم که از چوب درختان قطع شده استفاده ببرند و آنها را از آنجا دور کرده و نتیجه کار را خدمت آقایان ارائه و مورد تشویق واقع شدیم. از جاهایی که مرحوم حاج آقا نورالله از تعرضات شاهزاده مصون و محفوظ نگاهداشت، صحن عمارت عشرت خانه بود که بسیار زیبا و جالب بوده است. و مانند بسیاری از آثار صفویه روبه مشرف ساخته شده بود. و علت این نوع ساخت این بود که برای پذیرایی از میهمانان در عصر بسیار مناسب و دلپذیر بوده است. و حتی خود من [استاد مهریار] تا این اواخر حوض مرمی

بی فرهنگیهای این شخص به قدری ناراحت کننده و مایه تأسف است که از حد و نقل بیرون است عارف شاعر معروف می گوید:

چو بوم بر سر ویرانه های شاه عباس نشست عارف و لعنت به ظل السلطان کرد  
از جمله اقداماتی که مرحوم حاج آقا نورالله در حد توان و تلاش خود توانست برای حفظ و جلوگیری از تخریبهای شاهزاده انجام بدهد، یکی این بود که روزی ایشان خبردار شدند که ظل السلطان، عشرت خانه را به انضمام میدان شاه به شخصی معتبر و معروف فروخته و وی در خفا و دور از چشم همه مشغول تخریبهایی در گوشه و کنار است. مرحوم حاج آقا نورالله به محض اطلاع، عده ای از طلبه ها و مردم را فرستادند و جلوی تخریب بیشتر را گرفته و آن شخص را هم کتک مفصلی زدند.

نقلی هم مرحوم شیخ ابراهیم دهاقانی برای من نقل فرمودند، و آن ماجرا به این صورت بوده است که: روزی به طلبه های مدرسه ناصری (از مدارس دینی اصفهان بوده و هست) از طرف آقا نجفی و حاج آقا نورالله خبری می دهند که درختان خیابان چهارباغ را به دستور ظل السلطان



حوزه علمی اصفهان



موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران



سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

سر دبیر: موسی فقیه حقانی

دبیر اجرایی: رضا قریبی

گرافیکست: مهدی ماکان

حروفچینی: خانم ها شهریاری و صلواتی

ویراستار: علیرضا کنجی

همکاران این شماره:

محمد معینی - مهرانوش حاجی مزدرانی



شاهزاده ظل السلطان حاکم مستبد اصفهان